

دیوانه حافظ

افشار جباری و حافظ شیرازی

«جنگ همّت و دولت همه را عذر نبه»  
بنشین سفت و فقط از غم او گریان بگو



محدثه مطهری

ویرگول جنجالی در قانون بودجه

ویرگول، لازم نیست حقوق بازنشستگان را زیاد کند. ویرگول لازم نیست، حقوق بازنشستگان را زیاد کند.

خدمت بدون توقف

فقط سربازی!

هدفمندی ارزی کلید خورد

روش هم به لیوان آب.

انتفاج قیمت دارو

مسئولیت این انفجار رو داعش هم برعهده نگرفته. گفته این در حیطه تخصص ما نیست.

هجوم وحشی ریزگردها

نیست قبلاً اجازه می گرفت میومدن!

وضعیت کوش فیل



بهزاد توفیق‌فر

دیگه خیلی از اون روزهایی که سر زولیا و بامیه، با خواهر و برادرهامون دعوا می کردیم و روزه همدیگر رو به جرم خوردن یک بامیه بیشتر، باطل می دونستیم، گذشته. از اون روزهایی که وزارت بازرگانی (سابق) در ابتدای ماه رمضان، قیمت زولیا و بامیه درجه یک و دو و سه رو اعلام می کرد و شخص وزیر در مراسم افتتاح گشت های نظارت بر قیمت زولیا و بامیه، از دستگیری فروشندگان زولیا و بامیه تقلبی خبر می داد و وضعیت کوش فیل رو در دست بررسی کمیسیون مربوطه می دونست هم، خیلی گذشته. از خیلی کمبودها و سختی ها و نبودها هم خیلی گذشته و اغلب اونها، با بالا رفتن رفاه مردم و افزایش ثروت، تبدیل به خاطره شدند. شعر زیر اما سروده م. شبدر، یکی از عشاق زولیا است که از صفحه ۸۱ سالنامه روزی ۱۳۴۷ توفیق، انتخاب و به مناسبت ماه مبارک رمضان، تقدیم شده:

ای خدا مُردم برای زولیا  
می تپد دل در هوای زولیا  
بامیه هم گرچه جدا خوشمزه است  
لیک من دارم عزای زولیا  
پشمک و ول کن که ریشم پشمکی است  
کی رسد پشمک به پای زولیا  
کوش فیلم گرچه شیرینه ولی  
کی قبولش داره جای زولیا  
ای که دوست داری تو (خاتون پنجره) (۱)  
من سر و جانم فدای زولیا  
باقلا خوبه ولی در وقت خود  
این ماه و ساختن برای زولیا  
آخرم ترسم بی بلعیدنش  
نقله شم تو دست و پای زولیا  
سوی خود آهن صفت من را مُدام  
می کشد آهن رُیای زولیا  
دکه قناد را ماه میام  
می دهد رونق جلای زولیا  
کاش من را از ازل مثالی دهر  
عقد می کرد از برای زولیا  
تا جهان باقی و تا من زنده ام  
از خدا خواهم بقای زولیا



نوعی شیرینی  
۱۳۳۷  
سالنامه روزی

آزمایش علمی تأثیر ثروت بر انصاف صاحبخانه ها

صاحبخانه، خوبش خوب است



محمدرضا رضایی

پس از آوارگی کامل مستاجر بدبخت به سراغش رفتیم تا علت را جویا شویم. صاحبخانه از مستاجر خواسته بود که یا مبلغ اجاره را دو برابر کند یا بچه تازه متولد شده اش را به بیمارستان مرجوع کند؛ چرا که وی خانه را به یک زوج اجاره داده و حوصله و ننگ و ننگ بچه را ندارد. ما مستاجر مفلوک را در همان سرما با بیچارگی هایش تنها گذاشتیم و به سراغ صاحبخانه رفتیم تا رد شدنش در آزمایش را اعلام کرده و خانه را از وی پس بگیریم.

پس از مراجعه به صاحبخانه اول، نامبرده به محض رؤیت عوامل ما در صحنه، کولی بازی در آورد و خودش را روی زمین انداخت و شروع به عریضه کشی کرد مبنی بر این که «آی ایها الناس اینها می خواهند حق من را بخورند و انتظار دارند خانه ای را که برای ساختنش جان کنده ام، مفت و مجانی اجاره بدهم تا آمار رسمی بی خانمانی پایین بیاید». وی در ادامه اقدام به خودزنی شدید کرد تا جایی که عوامل ما از ترس همسایه ها موقتاً متواری شدند.

اوضاع خانه دوم تا شش ماه آرام بود، تا این که

یک روز متوجه شدیم مستاجر این خانه یک ساعت بعد از بازگشتن از اداره، مجدداً از خانه بیرون می آید و تا نیمه شب در تاکسی تلفنی محله مشغول به کار می شود. این در حالی بود که نامبرده هیچ بچه ای نداشت که خرج اضافه ای داشته باشد و حتی با همکاری یکی از زنان همسایه فهمیدیم که حالا حالا ها بچه ای هم در راه نیست؛ پس حدس زدیم موضوع باید مربوط به اجاره خانه باشد.

پس از مصاحبه با مستاجر فهمیدیم صاحبخانه به پنهان تحريم های جدید امریکا، مبلغ اجاره خانه را سه برابر کرده است و نیز مستاجر را تهدید کرده که اگر راضی به پرداخت این مبلغ نشود، وی با املاکی های شهر رفاقت تورگی داشته و کاری می کند که هیچ چا خانه پیدا نکنند. این بار هم برای پس گرفتن خانه به صاحبخانه مراجعه کردیم ولی وی نه تنها خانه را پس نداد، بلکه یک پیت بنزین روی خودش خالی نمود و تهدید کرد که فندک را روشن خواهد کرد. باز هم از ترس اینکه خون نامبرده گردن ما نیفتد صحنه را ترک کردیم و مستاجر بدبخت هم به خاطر دهن لقی آواره کوچ و خیابان شد.



تازنین اسماعیل زاده کارتونبست



مگه نگفتم خونه به بچه دار نمیدم؟! اون قوطی شیرخشک چی میگه تو زباله هاتون؟؟؟

ما بچه نداریم! خانم شیرخشک میخوره که صورتش چاق شه!

روز سکوت

سوده سلامت

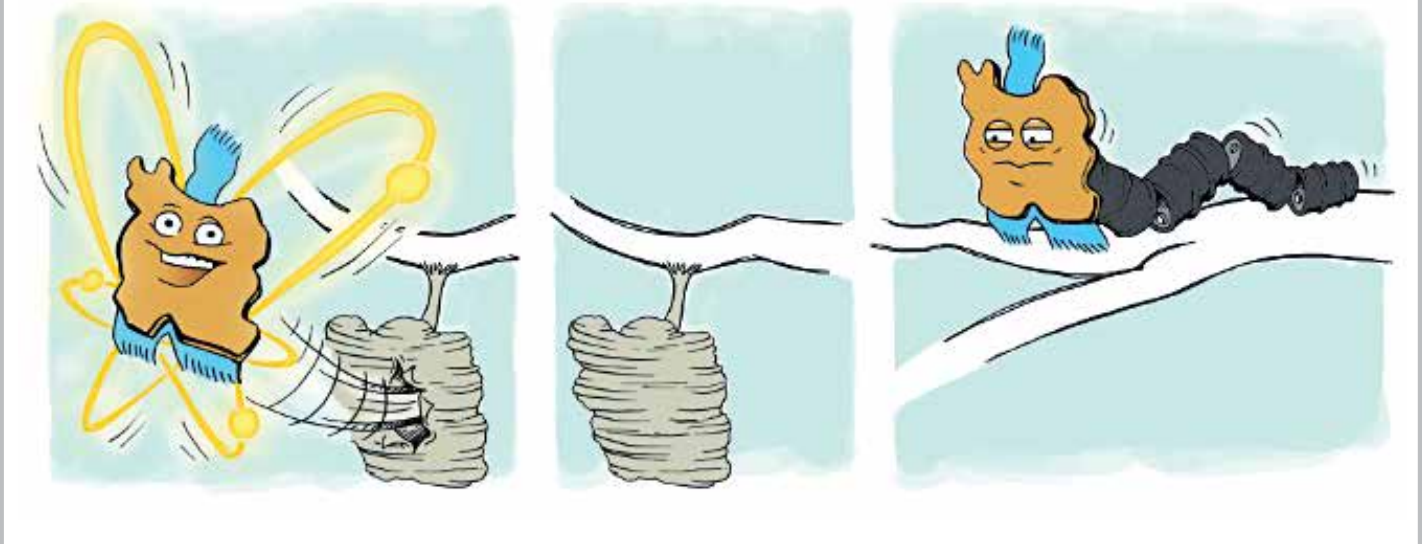
عجب روزی ست در تقویم: ساکت چرا هی می کنی سین جیم؟ ساکت! کنار تخت بیماری که خواب است و یا در مجلس تحريم، ساکت! به یاد گشته های طول تاریخ بکن یک شاخه گل تقدیم، ساکت اگر جنگی شود لازم، برایت رسانه می کند تقهیم، ساکت! گمان کردی زیادی خورد؟ جا داشت فقط مانده دو فورت و نیم، ساکت! فضولی و تنش موقوف جانم نمی خواهی اگر تحريم، ساکت! بین تیم مقابل توپ دارد بترس از حمله آن تیم، ساکت! ترویرستی مگر سازش نداری؟ چه خوب است آدم تسلیم، ساکت خلاصه، شرط عاقل بودن این است که کل روزها باشیم ساکت



انرژی هسته ای بهترین جایگزین برای انرژی فسیلی



سیدمحمدجواد طاهری کارتونبست



روز سکوت

انتقاد خدابایامرز

از دولت غیر همسو یا همسو



سمیرا فرهدانی

یک رسانه منتسب به یکی از جریان ها، که اسم نمی برم ولی ناگفته هم تابلوست که وابسته به کارگزاران سازندگی است قبلم افشاگرانه ای از یک سر (مفرد سران) مرحوم نظام را منتشر کرد. در این قبلم، که با تیتیر «انتقاد صریح» و «انتشار برای اولین بار» منتشر شده، فرد مورد نظر از بی اعتباری ایران در جهان، گرانی، بدبختی مردم و بی توجهی و بی عاری مسئولان ابراز ناراحتی کرده و غصه خورده است. در ادامه مرحوم کوتاه نیامده و از «نمک نشناسی» ملت عراق و افغانستان نیز گلایه نموده و کرده و نکرده ایران را برای دو ملت، به رویشان آورده است، زیرا ایران انقدر برای ایشان خرج کرده، اما آنها به طرفداران ایران حمله می کنند. وی در آخر توی دستمالش فین کرده و مسئولان را به خدا واگذار نموده و ان شاء الله خدا توی دامن خودشان بگذارد. این رسانه منتسب به آن جریان، در مورد علت تأخیر چندساله در انتشار این سخنان با این سطح از صراحت، چیزی نیفزوده و در مورد اینکه این قبلم تا الان کجا بوده، گفته است «به خودمون مربوطه». به نظر می رسد میزان واقع گراییه بودن صحبت ها نیز به خودشان مربوط است و گرچه پایگانی قبلم «گلایه از دولت» در دوره فروش زیر صفر نفت و تعطیلی صادرات و سپس انتشار آن در دوره فروش نفت به اندازه قبل از شروع تحريم ها و افزایش تراز تجاری با دوست و دشمن، کار هر بیز نمی تواند باشد.